

مشابه و یا حتی بدتر از آن از سوی کشوری هم سو توجیه شده و از آن دفاع می‌شود.

با این مقدمه نسبتاً طولانی اما ضروری، می‌توان نگاه دوباره‌ای به بحران خونین غزه انداخت و کانون اصلی تهدید را شناسایی کرد. در جنگی که در غزه جریان دارد، از زوایای مختلف حقوق بین‌الملل می‌توان به بحث و بررسی پرداخت. شاخه اصلی حقوق بین‌الملل، که در زمان درگیری‌های مسلحانه کاربرد دارد و قبل‌تر با عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه شناخته می‌شد، در دوران جدید معمولاً با نام «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» یا *International Humanitarian Law* معرفی می‌شود. ذیل این شاخه از حقوق بین‌الملل، در ارتباط با هر درگیری مسلحانه، دو سرفصل کلی و مستقل از هم مدنظر قرار می‌گیرد. سرفصل نخست مقرراتی هستند که بر اساس آن‌ها قانونی بودن یا نبودن آغاز جنگ سنجیده می‌شود. در این گروه از مقررات که با نام لاتین *Jus ad bellum* شناخته شده، شرایط حقوقی‌ای که بر اساس آن دست‌بازیدن به جنگ مجاز شمرده می‌شود (از قبیل دفاع از خود) مشخص می‌شود. اما ذیل سرفصل دوم مقررات ناظر به نحوه رفتار در زمان جنگ (فارغ از اینکه کدام طرف در بروز جنگ مقصود بوده باشد) مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، اینکه از بین طرف‌های درگیر کدام یک متجاوز یا مدافع بوده‌اند و کدام طرف در توسل به زور مطابق حقوق بین‌الملل عمل کرده یک بحث است و، به طور کاملاً مستقل از این بحث، اینکه طرف‌های درگیر در زمان درگیری چه قواعدی را باید مراعات کنند بحث دیگری است. بر این اساس، اگرچه میان کشورهای مختلف بر اساس مواضع‌شان در قبال مسئله فلسطین، اختلاف نظرهای متعددی در خصوص مشروعیت حقوقی عملیات طوفان الاقصی و اقدامات نظامی سبعانه رژیم صهیونیستی وجود دارد (از جمله اینکه آیا می‌توان برای این رژیم به عنوان «نیروی اشغالگر» اصولاً حق دفاع مشروع قائل شد)، اما تمام این اختلاف‌نظرها مربوط به سرفصل اول، یعنی حقوق ناظر بر آغاز جنگ، است و هیچ تأثیری در سرفصل دوم، یعنی مقررات ناظر بر نحوه رفتار در زمان جنگ، ندارد. ذیل سرفصل دوم اصول اساسی‌ای وجود دارد که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تثبیت شده است، از جمله اصل ضرورت، اصل تفکیک میان نیروی جنگنده با غیرجنگنده و اصل تناسب در به کارگیری زور. وفق این مقررات که بخش عمده‌ای از آن‌ها در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های آن‌ها به شکل مدون درآمده و بسیاری از آن‌ها به عرف بین‌المللی راه یافته‌اند، تردیدی در این نیست که مجموعه اقدامات نیروهای اسرائیلی علیه غزه کلکسیون‌ی از موارد نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه را به وجود آورده است که هم به لحاظ تنوع تخلفات و هم به لحاظ شدت و گستردگی منحصر به فرد محسوب می‌شود. با قاطعیت می‌توان گفت در دهه‌ها در هیچ درگیری مسلحانه‌ای این میزان از موارد نقض مقررات بین‌المللی، آن‌هم با این شدت و با این وسعت، دیده نمی‌شود.

از سوی دیگر، با بدنه دیگری از حقوق بین‌الملل به نام حقوق بین‌الملل کیفری مواجهیم که موارد مشخصی از عدم رعایت حقوق بشر و عدم رعایت حقوق بشردوستانه را به عنوان جنایات بین‌المللی در قالب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی جرم‌انگاری کرده است. مروری بر اقدامات سران و

نظامیان اسرائیلی در قبال غزه نشان می‌دهد این اقدامات نه تنها نقض فاحش حقوق بشردوستانه از سوی این رژیم هستند، بلکه به آستانه احراز جنایت بین‌المللی برای آمرین و مباشرین رسیده و موجب بروز مسئولیت فردی کیفری شده‌اند. محاصره کامل نوار غزه و قطع دسترسی ساکنان آن به آب، غذا، دارو، سوخت و خدمات درمانی، حملات عمده علیه جمعیت غیرنظامی، عدم رعایت اصل ضرورت و اصل تناسب، حمله به مکان‌های حفاظت شده بین‌المللی از جمله بیمارستان‌ها و موارد متعددی از این دست نمونه اقدامات انجام شده‌اند که هم مصداق نقض مقررات حقوق بشردوستانه از سوی رژیم اسرائیل و هم موجب ایجاد مسئولیت کیفری بین‌المللی برای سران و نظامیان این رژیم محسوب می‌شوند. اما این همه نیست. از دید نگارنده، دهشتناک‌تر و تأسّف‌بارتر از تمام این جنایات وحشیانه و تمام این موارد نقض مقررات بین‌المللی این واقعیت است که سران اسرائیل با وقاحت هرچه تمام قصد و نیت خود برای ارتکاب این جنایات را در علن جار زده و می‌زنند و هیچ ابایی از طرح آشکار اقدامات جنایتکارانه خود ندارند.

سران این رژیم به طور آشکار از مردمان غزه به عنوان «حیوان انسان‌نما» نام می‌برند و به اذعان خودشان بدون ذره‌ای شرم به سربازان خود گفته‌اند: «اسرائیل هر محدودیتی را در این جنگ برداشته است» و بدین گونه آن‌ها را مجاز می‌نمایند - و بلکه ملزم می‌کنند - که در ارتکاب جنایت علیه هر شخص و مکان هیچ قوانین و مقررات قانونی و اخلاقی‌ای را رعایت نکنند. نتانیا هو آشکارا این جنگ را «جنگ بین فرزندان نور با فرزندان ظلمت» توصیف می‌کند و نیروهای او فرزندان بی‌گناه فلسطینیان را در خانه‌ها و مدارس و حتی در بیمارستان‌ها هدف قرار می‌دهند. اسرائیل «محاصره کامل» غزه و قطع دسترسی مردم آن به غذا، دارو، آب و انرژی را که نقض آشکار حقوق بین‌الملل و مصداق بارز جنایت جنگی است رسماً و علناً در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها اعلام می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که وزیر این رژیم در برابر درخواست‌ها برای ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه می‌گوید: «به جای کمک به نوار غزه، باید صدها تن مواد بمب وارد منطقه شود». این بی‌پروایی در اذعان به جنایات و این دهن کجی آشکار به حقوق بین‌الملل در برابر چشمان جهان از اصل ارتکاب این جنایات فبیح‌تر و دردناک‌تر است. حمایت تمام عیار جهان غرب، به ویژه آمریکا، از این نحو رفتار رژیم صهیونیستی و پافشاری بر مخالفت حتی با آتش بس و تأکید بر ادامه عملیات نظامی تا زمان حذف حماس به رغم تمام آسیب‌هایی که به مردم عادی و کودکان وارد می‌شود نشان دهنده جنبه‌های عملیاتی «نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد» است که آمریکا آن را ملاک سنجش رفتار خودی‌ها، رقبا و مخالفین قرار داده است. مطابق با این دیدگاه، اگر هر اقدام و رفتاری در جهت تثبیت «نظم بین‌المللی» مطلوب غرب باشد، رفتاری بقاعده است و از آن حمایت می‌شود، و لوی آن رفتار در تعارض آشکار با حقوق بین‌الملل باشد. و اگر رفتاری در جهت مغایر نظم مطلوب غرب باشد، آن رفتار تقبیح و محکوم می‌شود، و لوی هیچ تعارضی با مقررات حقوق بین‌الملل نداشته باشد. به نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد (!) خوش آمدید. ▶

پی‌نوشت

1. S. Walt, 'China Wants a "Rules Based International Order," Too', *Foreign Policy*, 31 March 2021.

2. M. Jorgensen, 'The Jurisprudence of the Rules-Based Order: The Power of Rules Consistent with but not Binding under International Law', (2022) 22 *Melbourne Journal of International Law* 221.

و نیز:

D. Lake, L. Martin and T. Rice, 'Challenges to the Liberal Order: Reflections on International Organization', (2021) 75 *International Organization* 225.